

افتخار بر حزب بزرگ کمونیست چین

تینیت نامه سازمان مارکسیستی - لنینیستی توقان به کمیته مرکزی حزب کمونیست چین بناسبت پنجاه و دومین سالگرد آن حزب

کمیته مرکزی حزب کمونیست چین
رفقای عزیز

روز اول زوشه برای همه احزاب سازمان های مارکسیستی - لنینیستی روز خنده های است زیرا که در اول ژوئیه ۱۹۲۱ آخرین درخورد روز قد معرصه نهاد که توانست بر هیروی پیشوای بزرگ و داهی خود رفیق مائوتسه و خلق کیبوری را در نبرد بر علیه امپریالیسم و استعمار و در طی جنگ شوی های طولانی در حمایت از انقلاب چین و آزادی ملیت و استقلال و یکتاری پرلنارنایه در تسخیر و تاپد یرضلع و سوسیالیسم تبدیل کرد اند گنجینه مارکسیسم لنینیسم را با اندیشه مائوتسه و خلق ترساز و پیرخله عالی تری ارتقا دادند و در نتیجه عظیم تاریخی بر علیه و برین و بیسید حاضر رسیده زرشانی ایفا کرد و ساختمان سوسیالیست در جمهوری های چین را با وجود عهد شکنی و خرابکاری روزیونیت های شوروی طرفدارانه به پیشبرد و از پیش کین چین نو و شکوفان بازار و پرچم آزادی را بر علیه سیادت امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم و مدافع مطنش و یاید ابرخلاق های شیفته آزادی باشد ، با تاریخ تا بناک خود و با سرمشق جمهوری های چین به خلق های جهان الهی و نیز و خشد ، با ملت ساختن انقلاب کیبوری فاشیستی بر علیه و برین و بیسید و ساختن راه اتحاد و سر مایه اری در چین دست بر نرسد و در زمان تاریخی از برای برتری تر از راه انداختن انقلاب سوسیالیستی بگشاید ، جمهوری های چین را در قدرت مادی و معنوی و احراز حیثیت عظیم در میان خلق ها و کشورهای جهان ، بقایم برساند که هیچ مسئله مهمین المطلق بدین شرکت و قابل حل نباشد و این موقعیت را بسودر رعنائی خلق ها و طبقات زحمتکش جهان ، بسودر صلح و سوسیالیسم مورد استفاده قرار دهد .

بیجهت نیست که سوسیالیسم امپریالیستی های شوروی در سازش با امپریالیست های امریکائی منفرد ساختن جمهوری های چین و اجرای هرگونه تهنه انگیزی بر علیه وی را هدف خویش ساخته اند و نیز بیجهت نیست که کتیه خلق های جهان دفاع از جمهوری های چین را با دفاع از انقلاب جهانی و وظیفه انترناسیونالیستی خویش می شمارند .

خلق های ایران در یکبار شوارخویش بر علیه ارتجاع و امپریالیسم و سوسیالیسم امپریالیسم از او ترو ترو های تاریخ حزب کمونیست چین و از اندیشه پیروز رفیق مائوتسه درون آموزش کار پرلنارنای و زحمتکش جهان ، الهام میگیرند ، ما بنا بر خلق های ایران پنجاه و دومین سالگرد حزب پر افتخار کمونیست چین را بشما ضمیمه شاد باش میگوئیم و پیروزی های روزافزونی برای حزب کمونیست چین آرزو می کنیم .

افتخار بر حزب کیبوریست چین
زند و با رفیق مائوتسه و در رهبری آموزش کار پرلنارنای و خلق های جهان
جاوردان یاد آموزش مائوس ، انگلس ، لنین ، استالین و مائوتسه درون
استوار باد انترناسیونالیسم پرلتری

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توقان

در عرصه پیکار

هنوز خون شهیدان در وگانه کرد که روز ۲۷ فروردین در سنجند تیرباران شدند نقشکده است که سحرگاه ششم خرداد ماه هشت تن پیکار فرزندان تیرباران خلق ایران در اهواز آماج گلوله های محمد رضا شاه گشتند . محمد رضا شاه به جاساکی خرد خونین را با ریختن در مدتی کتوازیک ماومین به تن از جوانان سپهر پرست ایران به جلا دسیده شدند . باین اقدام ها تعدد تیرباران شدگان روزی کودتای رطبی در سال اخیر ۱۲۰ نفر رسید . ضحاک معاصر ایران در این مدت هر هفته بین از یک نفر با دست تیرباران سپرده است . روزنامه کدو در ارگان حزب کمونیست مارکسیست - لنینیستی بنژیک بدرستی محمد رضا شاه را " در رژیم کم نظیر در مقیاس جهانی " نامیده است .

از همان پیدار گاهی که هشت تن بیدان اقدام فرستادند چهار تن نیز برای گذراندن جین ایدروانه سیاه جال های سازمان امنیت گردیدند . هفت تن دیگر از یازدهان ایران هم در چند روز آینده (۱۰ خرداد) به اردگاه های اردمکن نظمی گشتند و مواهه شدند . تعداد آن سگتیرشدگان اخیر در فاروسر و سرتیقا در این نظر بگیرد تا معلوم کرد که در " جزیره ثبات " محمد رضا شاه چیلر چه تلاطمی است و محمد رضا شاه بچه ترسی از خلق و بچه حرصی برای خونخواری در چهار آمده است .

هنوزیک هفته از تیرباران هشت تن فرزندان لیرخلستق ایران نگذشته بود که کتل ها و کینس ، عضو هیئت نظمایی مستشاران امریکائی در ایران و از جنابیکاران وابسته به سیا صبح روز شنبه ۲ خرداد با گلوله و شپارز لیر ایرانی از پای درآمد . قتل کتل ها و کینس نگذشته ماهیت مبارزه مقدسی است که در سپهر ما میگذرد ، نشان دهنده چهره زرشان جوانانی است که رژیم ایران آنها را " خرابکار " می نامد . قتل کتل ها و کینس با بیان فصیح جنابان افلا میگرد که پیکار خلق ایران بر علیه امپریالیسم و سرگردان آن امپریالیسم امریکا و بر علیه حکومت دست نشانی محمد رضا شاه است ، پیکار خلق ایران بیکارمقدسی است که با هیچ درهای خون فرو نخواهد نشست .

یاد شهیدان را گرامی بداریم !
درود پر شور بر زندانیان سیاسی !
دست جلا از جان فرزندان ایران کوتاه !

ژاندار می با سردوشی امریکائی

اظهارات اخیر سناتور فولسرایت رئیس کمیته رویابسط خارجی سنای امریکا سخت در محیط سیاسی ایران جد آگرد . اظهارات مذکور سابق نبود . از وقتی که منافق امپریالیسم امریکا در نفت خارومیانه خطر افتاد نمایندگان وی خلق های عرب را آشکارو نهان به داخله مسلحانه تهدید کردند و سفارت امریکا در لبنان رهبری حمله راهزنانه چتر باران اسرائیلی را بر بیروت و قرارگاه صید برعهده گرفت . پس سخنان سناتور فولسرایت چیز دیگری جز بیان روش تجاوز گرانه شناخته شده امپریالیسم امریکا نبود . ولی آنچه تاریک داشت یاداری از نفت ایران در کار اسرائیل بنشاید و بخواه تا ش بود . وی گفت : " واسنکی روزافزون امریکا بنفت خارومیانه ممکن است امریکارا وادارباشغال کشورهای عرب تولید کننده نفت بقدرت زور کند . " امریکائی نباید لایق نباشد شخصاً وارد عمل شود و تحقق این عمل را برعهده قائم مقام های مؤثر نظامی خود در منطقه چون اسرائیل و ایران واگذار کند .

این صراحت بشمرانه از نماینده امپریالیسم امریکا که گرفتار غرور میادت طللی جهانی است شکفت انگیز نیست ولی برای اسرائیل و مخصوص برای ایران روانگنده است . نماینده امپریالیسم امریکا آشکارا اظهار میدارد که داخله نظامی امریکا در کشورهای استقلال طلب عرب کاملاً مختل است و این امر نشانه مستقماً بوسیله خود و بلکه با واسطه گاشنگان و میانشهران او مانند اسرائیل و ایران عملی خواهد شد . چنانکه در بیروت اسرائیل بر مالک عرب در سال ۱۹۶۷ عملی شد . بقول عشقی : " دست بست یاسی ویا پای خور " بیجهت بدیهی است که اظهارات فولسرایت شاه ایران را در روش بیجهت باری قرار داد . روزنامه ها ماهوریت یافتند که اولاً مقام فولسرایت را بر بوسیله مراتب دستگاه حکومتی امریکا نازل و شخص او را بی اعتبار جلوه دهند و ثانیاً معنا و مضمون سخنان او را در گذرد و خاک غلیظی از لای و کراف بیوشانند . اطلاعات نوشت کس فولسرایت - رئیس کمیته رویابسط خارجی سنای امریکا - در عالم خیال پر از بیچاره فسون شده است و مدعی شد که ناظران تهران در تریک بیب " قوی " این اظهارات معروف با یوزخند سوال میکنند از چه زمانی تاکنون جناب فولسرایت بقیه در صفحه

خلق ایران در اردگاه نظانی آن کمپرا محکوم میکند و شش تیرباران روزان در لیری است که روز ۱۶ خرداد در چین دادگاهی بر کرسی اتهام می نشینند !

شیمیائی بزرگ تو از گذشته در مسئله نفت

لاف و کزای در باره قرار داد جدید ایران و کسرسیوم (مورخ بخورد ماه) چند ان زیاد است که توگویی میخواهند از اعجاز قرن بیستم بهره ببرند و بعد لک بر نمیدارند . حکومت ایران اصراری دارد که قرار داد از دید مردم پنهان بماند و متن آن را تا این تاریخ منتشر نکند ، زیرا که ماهیت امریون پیگیری جز تمدید نسلیست با نفت با بخشهای امپریالیستی نیست . قبل از هر چیزی باید بخاطر داشت که موسسات نفتی ایران برخلاف برخی از کشورهای دیگر تماماً متعلق بایران است . دولت ایران در سال ۱۹۳۳ که قرار داد با کسرسیوم را منعقد ساختند فقط از شرکت نفت انگلیس و ایران حساب فارت های چند ده ساله را نتوانست بلکه منابع عظیمی بنام " فزانت " باویرد اخت : شرکت نفت انگلیس و ایران ۱۰ میلیون لیره بشانکارای ایران را بحساب خسارت خود نوشت و از سال ۱۹۹۶ تا ۱۰ سال سابقاً ۴۰ میلیون و ۵۰۰ هزار لیره خسارت از دولت ایران گرفت . جمناً ۲۵ میلیون لیره) ۶۲۰۰ میلیون لیره بابت خسارت تا سیشانی و وسائل فرسوده شده و خود دریافت داشت (بگذریم از اینکه ۲۱۴ میلیون لیره نیز بابت " سرقتی " نفت ایران از سایر اعضا کسرسیوم بودند) . (اطلاعات ۲۹ اردیبهشت ، ۱۳۵۰) تو از آن بعد یعنی در روزگار کسرسیوم هرگونه مخارجی که در موسسات نفت صورت گرفته تا مانند خرید ماشین های جدید و ساختن بنا در واسکله ها و غیره تا همگی از دولت ایران برداشت شده است . پس کسرسیوم در موسسات نفت ایران ضد دینار هم سرمایه گذاری ندارد اما روزنامه ایران در عاقد کسرسیوم و ناخنکده است . دولت ایران مدعی است که از این پس بجای کسرسیوم ، دولت ایران تصمیم بگیرد که از حوزه کسرسیوم چه مقدار نفت تولید کند ولی این فقط ظاهر امر است . دولت ایران هم اکنون تصمیم گرفته است که تولید نفت در حوزه مذکور در سال های آینده به بیش از دو برابر مقدار اکنون افزایش یابد و به ۵۰۰ میلیون تن برسد . این تصمیم چیز دیگری جز تصمیم انحصارهای نفتی نیست . در واقع انتخاب تصمیم در نهان با تهاست و اطلاق تصمیم با محمد رضا شاه . امروز بر همه روشن است که نیاز جهان امپریالیست به نفت کثیر های ایک روزافزون است و با وضع دشواری که در اثر مقاومت برخی از دولت های خارومیانه و افریقای برای انحصار های نفتی پیش آمده تا این جریان منظم نفت برای آنها اهمیت درجه اول یافته است . و اینکه دولت کابین جزایران را در طوسی سالیهای ششماه تعیین میکنند دولت های ایران و عربستان سعودی اند . معان وزارت نفت نیز صریحاً اظهار داشته است که لایحه در زمین حالی به راه خلق شبهه آنکه ایران بزرگیده نزدیک نخواهد شد . " ما هیچ وجه باضا " قرار داد هائی که در از امالی شدن نفت تحول نفت را بکسانی ها بر میزند دولت طولانی تا این حد تن نخواهیم داد زیرا که این امر نه فقط باعث رهایی مائیتشود بلکه همان سیستم سابق را به شکل جدید ادامه میدهد " (لوموند ۱۶ مه ۱۹۷۳) روزنامه لوموند که وابسته بوزارت خارجه دولتی است که از طریق " شرکت نفت فرانسه " در کسرسیوم سهم دارد در باره قرار داد جدید شاه و کسرسیوم مینویسد : " در زمانی که مسئله تامین نفت و گاز بصورت یکی از خطریترین مسائل دنیای غرب درآمده است و مطالبات کشورهای تولید کننده و زور پرور سنگین تر میشود . . . شرکت های کسرسیوم چنان منبع مطمئن و فراوانی مانند قبلیست نفت ایران را بعدت بیست سال برای خود تامین کرده اند . . . (۸۲۵) این گفتار لوموند فریاد پیروزی است که از گوی انحصار های نفتی بیرون میآید . دولت ایران بازم مدعی است که از این پس همه نفت تولید شده در اختیار او خواهد بود . ولی چنین نیست . وقتی که دولت ایران در قرار داد تصریح میکند که شرکت های عضو کسرسیوم در خرید نفت اولویت دارند معنایش چنان نمیتواند باشد که دولت ایران مجبور است نفت را باین شرکت ها بفروشد . جمله بندی تفاوت کرده و مضمون بحال خود باقی است . بقیه در صفحه ۲

گرامی باد یاد تیرباران شدگان و همه شهیدان !

و اندازی با... بقیاض صفحه ۱ احساس میکند اختیار نیروهای نظامی ایران بدست واشنگتن برای اجرای دستورات آنان افتاده". این روزنامه درباری کارگزاران گمش را به آنجا رسانده گفت: "شاید یادآوری این حقیقت برای تجدید نظر سیاسی جناب فولبرایت بیفایده نباشد که در مسائل خاورمیانه اگر تهران به واشنگتن دستور دهد واشنگتن دستور میفرماید نخواهد داد!" ولی همه این تیرزه جوشی های در زمین دولت ایران یا سیخه "بردم روبرو شد... پرواضح است که آن هزاره صد مستشار نظامی امریکائی که هم اکنون در کشورهای باسری میزنند و آن صد هانفر دیگری که بناسبت تجدید آموزش ارتش ایران در شرف آمدن هستند برای آن در ارتش ایران ننشسته اند و نخواهند نشست که اختیار نیروهای نظامی واشنگتن را بدست نهند. بسیاری بلکه هدفشان سیردن اختیار ارتش ایران با امریکاست. امریکاییسم امریکا ۱۹ میلیون دلار در راه کودتای ۲۸ مرداد و باز گرداندن شاه فراری خرج نکرده و توطئه های سالهای اخیر در خلیج فارس و اشغال جزایر سه گانه را بدست محمد رضاشاه تدارک ندیده و رئیس اداره جاسوسی خود را با ایران نفرستاده است تا از محمد رضاشاه در کار خلیج فارس دستور خواهد داد بلکه تا دستورهای خویش را بوسیله او اجرا کند. جان ارتش محمد رضاشاه در دست امریکاییست و با بویزه امریکاییست های امریکا است که بیلیارد ها دلار با اسلحه فروخته و میفروشند و هزاران رشته مژگی و نامرئی در تارتار بود این ارتش یافته اند. یکی از هددهای گفرانس دیپلمات های امریکائی در خاورمیانه و جنوب شرقی آسیا که در اول اردیبهشت ماه در تهران بعد از اکران محرمانه پرداختند تسجیل نقش است و مشابه و زاندرم خاورمیانه بود، زاندری که تفنگ امریکائی است و سردوشش را از امریکا میگیرد و نقشه و نقشه های در جیب است. هلمز سفیر امریکا که ۲۳ فروردین که نخست وزیر شاه در لندن از مساعدت ایران به سلطان عمان لاف میزند کرد کارستون وزیر دفاع انگلستان به باز دید واجد های ارتش انگلیس و ایران در عمان اشتغال داشت و این امر نشان آن بود که قرارگاه فرماندهی واحد های ارتش ایران در ماوراء بحار است. شاه در مصاحبه اخیر خود با "مجله نیوزویک" گفته است که مسئولیت نگهبانی رحایت از خلیج فارس را بر عهده دارد که شامل ۶۰ درصد از ذخایر جهانی نفت است و تصمیم باتخاذ این مسئولیت را در سالهای ۱۹۵۹-۱۹۶۰ گرفته زیرا که از عمان وقت باین نتیجه رسیده است که امریکا برای همیشه نخواهد توانست نقش "زاند ارپین الملی" را ایفا کند. شاه در این باره روشن میسازد که وظیفه او نگهبانی و در صد از ذخایر جهانی نفت است که باید تا آخرین قطره در اختیار امریکائی های امریکایی ریخته شود. هرگز ما هر خلقی با هر کشور که به مخالفت با این فارتگری بر خیزد سرگواش محمد رضاشاه خواهد بود. ستانر فولبرایت هم جزاین نگفته است. پیش از گفته او نیزه میباشند که امریکاییسم امریکا سه گاشته هار و صلح و گوش برمان در خاورمیانه دارد: اسرائیل در ترحه سوئیس و عربستان سعودی در دریای سیخ و محمد رضاشاه در خلیج فارس. اما خلقی های خاورمیانه هم در کانون فروزان جنگ تود های در این منطقه دارند. بیکی بخاطر آزادی فلسطین و دیگر بخاطر زعمای ظالمان خلیج فارس. سراسر خاورمیانه برای سوزاندن زباله های ارتجاعی و استعماری آماده اشتعال است. در ایران زمین زیر پای زاندرم خلیج میلرز. ایفا نقش زاندرم خلیج ایجاب میکند که محمد رضاشاه با رضایی از ابیات مخارج تسلیحات و نگهداری ارتش و استعماری برگردد. خلق ایران بگدازد و بیعت تشدید نماند و بی خشم همگانی گردد. مد اخلاقی نظامی و غیر نظامی محمد رضاشاه در کشورهای عربی موجب میشود که خلق های ایران و عرب پیش از پیش به لزوم همبستگی خویش پی ببرند و در جبهه واحد پیگری علیه دشمنان متحد شوند. تصدیق زاندرم خلیج از طرف محمد رضاشاه اگرچه بر مشکلات ما روزه خلقی ایران می افزاید. اما نه تنها از تری به معنا و اهمیت انقلاب ایران می بخشد و انگیزه نیرومند تری برای خلقی ایران در بر صسه فد اکاری و جان بازی و احراز نیروی وجود می آورد.

خجانی بزرگتر... بقیاض صفحه ۱ دولت ایران فقط حق دارد که ۲۰ درصد از نفت تولید شده را راسا بفروشد برساند ولی... ولی حق دارد که آن را نیز راسا به خود شرکت های کسریوم بفروشد. چنانکه دیده میشود آزادی دولت ایران آزادی اسیری است که روزی برنگردد و دست و پا را ازین دست دولت ایران در مورد بهای نفت خام هم سخن میگوید کسریوم است. اخیر شاه در مصاحبه خویش در تلویزیون بیگوسلاری به مخالفت با افزایش بهای نفت خام برخاست و استدلال کرد که این افزایش موجب افزایش بهای کالاها می شود که کشورهای دارند و نفت از کشورهای انحصارات نفتی میخردند و ما لا بزبان کشورهای نخستین است. این استدلال دفاع مستقیم از انحصارهای امریکاییست. همه میدانند که ممکن است بهای نفت به کشورهای دارند و این کالا پرداخت میشود افزایشی باید بدون آنکه کمترین تغییر در بهای نفت در کشورهای صرف کننده روی دهد زیرا که از هر دو لاری که در کشورهای اخیر بفروشد میسرند بیش از ۷۰٪ ۸ سنت آن به مالک صاحب نفت متعلق نیست و بقیه به کیسه انحصارهای نفتی و یاد ولت های آنها سرازیر میشود. اینک میتوان از این سود سرشار انحصارات امریکاییستی کاست و بر درآمد صاحبان نفت افزود بدون آنکه کمترین تغییری در بهای نفت در کشورهای امریکاییستی روی دهد و باعث افزایش قیمت کالا های آنها گردند اما محمد رضاشاه نه فقط این حساب روشن کرده های غارت زده را ندیده میگیرد بلکه گستاخانه بدفاع از حساب شهید میازانه کشورهای غارتگر میوزد.

دولت ایران فریاد میکند که دیگر دستگاههای نفتی بدست متخصصان ایرانی اداره خواهد شد. ولی طبق قرارداد تصدیق کرده است که "جاننا" کیسه کار نشانان کسریوم سرکار باقی خواهند ماند و در برهان پاشنه سابق خواهد گشت. مسئله نفت ایران تماما قابل درک نیست اگر آن را در ارتقا با مسائل سیاسی خاورمیانه و بویزه خلیج فارس در نظر نگیریم. این منطقه بویزه پس از تسکین جنگ درون تمام بصورت مرکز ثقل سیاست های امریکاییستی و سوسیال امریکاییستی درآمده است. امریکاییسم امریکا بیلیارد ها دلار برای حفظ سلطه خویش در تمام و بطور کلی در آسیای جنوب خاوری خرج کرده و میگذرد و خلیج فارس نیز برای نگهداری خویش در برابر نفوذ های اوجگرم خلقی ها و نیز در برابر مهاجمه افسارگسیخته سوسیال امریکاییسم شوروی ناچار بخارج کراف دیگری است. در اینجا هم امریکا سه نوبی از "وینتای کردن" احتیاج دارد و هزینه آن را از محل عواید نفت - فقط بطور غیر مستقیم و بوسیله دولت ایران خواهد پرداخت. آنچه دولت ایران با یک دست میگیرد با دست دیگر بعنوان خرید مبالغ عظیم و بیسابقه اسلحه بعنوان تجهیزات نظامی بنادر و جزایر جنوبی به امریکاییست ها بر میگرداند. بازم بجاست که روزنامه لوموند - این سخن گوی آگاه محافل غارتگر امریکاییستی - را بشهادت بهاریم که می نویسد: "سلطان اسلحه فروش به دول بزرگ امکان میدهد که صنایع بسیاری سود آور خود را برساند و از توازن برد اختتام خود را بهبود بخشد، در ضمن حال که حصه مهمی از ارز کشور های صاحب نفت را باز شناندند... کمیانی ها - کاملاً مانند دولت امریکائی اطینان دارند که آنچه به او (شاه ایران) بخشیده اند در واقع در حکم سرمایه گذاری بسیار نامناسبی است که می تواند منافع آنها را بهتر از گذشته نشان دهد" (سرمقاله ۲۵ مه) ماهیت خیانت جدید محمد رضاشاه را در این تصریح می توان دید: تا مین منافع انحصارات نفتی و دل امریکاییستی و در اس آنها انحصارهای امریکائی و دولت امریکا بشیوه ای بهتر از گذشته.

بسیج یوزدهم دیکتاتوری فرانکو

چنانکه توفان در شماره ۳۳ خورداد و سوال پیش به ابتکار حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا کیمته هم آهنگی برای تشکیل جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا مرکب از عده های از احزاب و سازمانهای مودرا - تیک بر اساس پیش ماهه بوجود آمده. اینک حزب کمونیست مارکسیست - لنینیست اسپانیا در سند جدیدی در شرح هد فهای کیمته هم آهنگی چنین گفته است: "کیسه کیمته های هم آهنگی از آغاز تا میسر به جهت حمله در مبارزه برای رهائی اسپانیا تعقیب کردند و وظیفه نخستین عبارتست از مبارزه بر علیه سلطه آمریکا و افشا آن در برابر توده ها و بزرگ سلطه بزرگ کاملاً آشکار و شهود نیست و این امر نه بر حسب تصادف بلکه عمدتاً با نقض طبقات حاکمه بوجود آمده است تا از نهضت میهن پرستانه خلق جلو گرفته شود. برانگیختن مبارزه بر علیه اشغالگر نامشروع اسپانیا یعنی امریکاییسم آمریکا و مبارزه های باید بتدریج تا عالی ترین سطح ارتقا یابد. جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا برافراشته به پرچم استقلال ملی است که در دست و دست فراموشی با آن خیانت ورزید و بوسیله ای از در ارتقا های دیگر (بویزه روزیونیست ها) آن را بدور افکند و اندو خلق ما هرگز از آن روی بر نتافته است.

وظیفه دوم عبارتست از مبارزه در راه جمهوری توده های و در انبوه مبارزه در راه رژیم جمهوری که خلق اسپانیا بدست سه سال اسلحه بدست از آن دفاع کرد و اینک در آرزوی دوباره آنست. این مبارزه اکنون بر علیه مانوهرای سلطنت طلبانه و زغان کارلوس متمرکز شد تا دست زرد که این مانوهرها تمثیلی است برای جواران ساختن فاشیسم سلطه آمریکا در اسپانیا. الیگاری اسپانیا و اربابان امریکائی بدین وسیله میخواهند سردر زیکا توری را سفید کاری کنند. اگر بر علیه مانوهرها مصمانه مبارزه نشود مبارزه بر علیه فرانکیسم بر علیه امریکائیان بطور پیگیر صورت نخواهد گرفته. اگرچه در این بار سخن های بسیار گفته شود و شیرین کاریهای بسیار کرده شود. وظیفه نمود عبارتست از مبارزه در راه وحدت ضد فاشیستی و میهن پرستانه و وحدت واقعی انقلابی همه خلقی اسپانیا بر علیه فاشیسم. این وحدت غیر از دروغ برد از بهای خائفانه کارلوس (دبیر حزب کمونیست روزیونیست اسپانیا) است که میخواهد با درخیمان خلق متحد شود تا آنان هم چنان در مقام دوشی باقی بمانند و قربانیان آنان بیچنین وضع تن در دهند. وظیفه مهم برای تحصیل و توسعه این وحدت عبارتست از اعلام جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه اسپانیا. یعنی طی مرحله تدارک شرایط لازم برای این وحدت.

چنانکه گفتیم این سه جهت حمله و تشکیل دهنده جبهه واحد نبرد است. زیرا که بدون مبارزه بر ضد آمریکا مبارزه بر علیه دیکتاتوری فرانکو تحقق نمی یابد. زیرا که امریکاییسم امریکاست که علی الاصول فرانکو را در قدرت نگه میدارد. بدون مبارزه بر ضد مانوهر سلطنت طلبانه و زغان کارلوس نه بر علیه علیه دیکتاتوری فاشیستی مبارزه صورت خواهد گرفت و نه بر علیه سلطه آمریکا و زیرا که مانوهر مذکور راه نجات این هر دو را بست نموده ای که کونی است. ندین وحدت توده های مبارزه مؤثر تر بر علیه دیکتاتوری فرانکو انجام خواهد گرفت و نه بر علیه امریکاییسم امریکا.

پس این سه جهت حمله و از لحاظ دیاکتیک بیهم پیوسته اند. اکنون بعد از دو سال مبارزه برای ساختن جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه ما کمونیست ها باید مانند گذشته نخستین کسانی باشیم که بخاطر این سه وظیفه مبارزه میکنیم. واضح ترین مبارزان باشیم به بیشترین فدائی کاری تن در دهیم. با کیسه متحدینی که در زیر پرچم جبهه انقلابی ضد فاشیستی و میهن پرستانه بخاطر رضای اسپانیا از امریکائیان و از ناشیست ها در کار ما فرار میگردند صدیق و وفادار و براهروار باشیم.

نفت در ابوموسی

نشریه "صوت الثورة" نشریه هفتگی در بیرخان "جبهه تود های آزاد بیخترشان و خلیج عربی" در شماره ۱۹۷۲/۴/۷ خیر میدهند که در جزیره ابوموسی (یکی از جزایر سگتای که در تاریخ ۳۱/۱۱/۷۱ با توافق امریکاییست ها و امرای عرب بوسیله قسطنطنیه ایران اشغال شد) ذخیره بزرگ نفت کشف شده است. این خبر را شرکت امریکائی کسریوم در ستنارد در لندن منتشر ساخته است. "صوت الثورة" بدستی می نویسد که کشف مذکور تصادفی بود و در سابق کمونیست بلگریکی از بیانی سازش ها بودند و است هائی است که در موق خود بین امریکاییست ها و امریکاییست ها سعودی و ایران صورت گرفت.

هزد ، بهیا ، سود

اندر اعیانه کارل مارکس با ترجمه توفان منتشر شد. آن را از دفتر توفان بخواهید. بهیا : معادل ۳۰ ریال

هذیان

آنچه در یازدهمین غلط چاپ نیست، هذیان صریح عضیه‌ای نیست. بلکه سخنان مردی است بنام "شاهنشاه آریا-مهر" که هر وقت بدوش نیوسنطق میگردد از این گونه پرت و پلاها... ملوک الکلام هاست. میگوید و آشفتگی تک‌خود را نشان میدهد. "ما در ارم ملکمان را از لحاظ فنی، صنعتی و کشاورزی صنعتی به تکنولوژی مدرن مجهز میکنیم... بهمان تناسب باید توجه بکنیم به فراهم کردن و عرضه کردن غذا ای روحی برای توازن که در بدین کار جریسی و کار باصلاح ماتریالیستی یا بخوراک روحی ولد اینست. روحی لازم است، خوشبختانه در این صحبت، گذشته ایران غنی است. یعنی شاسفانه اگر گذشته‌ای داشته باشیم فقط در همین قسمت روحی و ادبی و فرهنگی است برای اینکه ما گذشته‌فنی و تکنولوژی ندستیم. اگر درست در نظر گرفته باشیم از بدیهیات تاریخ بشریات تاریخ جغرافیای دنیا همین و آخرین یکی روی نده اشتین ولی شاید برای اینکه اصولاً با این موضوع در هیچ جای دیگر اهمیت نیند گذارند در گذشته بعلمت ضعف حکومت مرکزی در لابل و لنگر هیچ وقت در مملکت ایران قدیمی برای حفظ طبیعت برداشته نشده است. هیچ وقت یک درخت اضافی کاشته نشده بود."

کیهان ۱ اردیبهشت ۱۳۵۴

گنگ از آسمان افتاد و ننکست

زرگنه شده کجا و عقل بسالم!

زبان امستهمارگران

یکی از نشانه‌های نیمه‌مستعمر بودن ایران رواج روز-افزون زبان های ممالک استعمارگر و بیوزیر زبان انگلیسی در یک سلسله از ادوات شرکت‌ها و بنگاه هاست. در واقع امروز و شنگر ایرانی که زبان انگلیسی نه فقط باین گناه باید با دشوار ری‌های بسیار برای یافتن شکل مناسب روبرو گردد. البته کشوری که مالک اروپا و آمریکا در ارتباط اقتصادی و فرهنگی در برخی از ادارات و شرکتها و بنگاه‌ها حتی چینی نیازمند است گاستان را از ترجمه‌کنند در پرسش‌نامه بیان امروز گنگ ولسی در کشور ما امروزه دانستن زبان خارجی و بیوسنطه انگلیسی شرط استخدام هر کارمند فنی متخصص است. برآه اصولاً زبان رسمی یک سلسله از ادارات و شرکت‌ها و بنگاه‌ها در واقع بجای زبان فارسی و انگلیسی است.

برای نمونه صفحه "فرصتهای استخدامی" روزنامه کیهان مراجعه میکنیم. مثلا به شماره "۱۰۰" در بیستم. در آنجا شرکت سهامی چیب ایران یک مهندس برق میخواهد ولی شرط این است که "سلطه زبان انگلیسی" باشد. یک شرکت صنعتی در حال توسعه "همه‌پوشا" آلات صنعتی احتیاج دارد ولی شرط استخدام او را دانستن زبان انگلیسی معین کرده است. گروه صنعتی مینوبه مهندس شیمی و مکانیک نیازمند است ولی شرط یافتن آن انگلیسی بداند. یک شرکت تحقیقاتی در جستجوی حساب‌داری روزیده ماست ولی بان شرط که "زبان انگلیسی آشنایی کامل داشته باشد". بانک اعتبارات ایران "لیسانس" حسابداری - بازرگانی و اقتصاد میخواهد ولی با شرط تسلط کامل بزبان فرانسه یا انگلیسی". یک شرکت صنعتی فلزی جویای یک مهندس شیمی است ولی آشنایی با زبان انگلیسی یا فرانسه. همین شرط را در اطلاعات استخدامی شرکت جنرال تولز، شرکت سیمان تهرانی یک آژانس تبلیغاتی، شرکت زیگما و غیره نیز می بینید.

البته دانستن زبان خارجی وسیله تسهیل دانش‌پژوهی است ولی جز در موارد خاص نمیتواند شرط استخدام باشد. در واقع شرط آشنایی با زبان خارجی و بویژه انگلیسی در ادارات و شرکت‌ها و بنگاه های ایران خاطر استفاده بیشتر از منابع علمی بلکه نتیجه سلطه مستشاران و شرکا و روسای آمریکایی انگلیسی و غیره است. برای خودآید آنها همه باید انگلیسی صحبت کنند. برای بندوبست با آنها همه باید انگلیسی بداند و به‌سراو گزارش‌های آنها همه باید انگلیسی بنویسند. آشنایی با زبان انگلیسی در ادارات و شرکت‌ها و بنگاه های ایران انعکاسی از استبدادی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی آمریکادار ایران است.

طبقه کارگروه... بقیه از صفحه ۴. سوسیالیسم علمی سخت بدو راست. تئوری‌های مذکور شامل بسیاری از عناصر مهم نارسون و التقاطی است. مخلوطی است از اصول سوسیالیسم با اصول سرمایه‌داری. از اصول آید تئوری سوسیالیستی با اصول آید تئوری بیوزوئی و بدیهی. این تئوری‌های "سوسیالیستی" از یک سو گناه بجهت سوسیالیسم گناه قوه جان به افکار سوسیالیستی منظر تلاش برای یافتن راه خلاصی از فقر عقب ماندگی است. و از سوی دیگر نشان دهنده تمسبات بیوزواری و سایر نیروهای ارتجاعی برای فریب توده‌ها و برای منحرف ساختن آنها از مبارزه در راه واقعی سوسیالیسم است.

شخصی‌ان در ارتش شاهنشاهی

محمد رضاشاه به‌طور اهرها سلاح‌های رنگارنگی که بقیست بر باد دادن کشور خریداری میکند مغرور است. ولی پوچی و ناتوانی ارتش محلی او را از تلاطماتی که در درون آن میگردد نمیتوان قیاس کرد. محمد رضاشاه تاکنون مقررات و آیین نامه‌های در مکرراتک بسیار برای مهار کردن عناصر ناراضی و سرکش ارتش وضع کرده و اختیارات فوق‌العاده به فرماندهان در تنبیه و مجازات زیردستان داده است. داده‌های نظامی او نیز در صدور احکام جبارانه کوتاه می‌نزدند. ممالک تعداد سرتان و افزاینده از محیط حفقان آبر و نر می‌کش ارتش بجان می‌آیند و رخصا در پیش می‌گیرند روز بروز افزایش می‌یابد. از منابع مرق خبوشی در هند که ماه گذشته یک سرنهنگ یک سروان و یک ستوان به‌عنوان چند درجه از باتهام فعالیت‌های سیاسی اعدام شده‌اند. اطلاعات در اد کاه‌های ارتش و احضار رخصا، در روزنامه‌ها فراوان چشم می‌خورد و اگر همه آنها در طول مدت جمع‌شود بصورت کتابی درخواهد آمد. ما فزید چند نمونه از اطلاعات کور را از روزنامه اطلاعات نقل میکنیم تا خوانندگان گرامی به بینند که ارتش شاهنشاهی چگونه پوشیده است.

آگهی احضار

به نوبت دوم رحیم زیان، شغل افسر نیروی دریایی شاهنشاهی که محل اقامت وی در پیونده تهران و خیابان نادری کرچه شیرازی منزل کبری شماره ۳۹ تمین و قلا محمول مکان میباشد احضار میشود که با تمام فراد از خدمت در این بازرسی لغت بگیرد و میباید. منتفی است طرف دو ماه از تاریخ نش آخرین آگهی خود را باین بازرسی واقع در خیابان شیرازی خیابان منصور معرفی نماید. در غیر اینصورت طبق ماده ۱۴ قانون دادرسی کیفری ارتش فیما بین پیونده رسیدگی و اقدامات قانونی معمول خواهد گردید. و آلف ۱۳۵۲

آگهی احضار
به نوبت دوم رحیم زیان، شغل افسر نیروی دریایی شاهنشاهی که محل اقامت وی در پیونده تهران و خیابان نادری کرچه شیرازی منزل کبری شماره ۳۹ تمین و قلا محمول مکان میباشد احضار میشود که با تمام فراد از خدمت در این بازرسی لغت بگیرد و میباید. منتفی است طرف دو ماه از تاریخ نش آخرین آگهی خود را باین بازرسی واقع در خیابان شیرازی خیابان منصور معرفی نماید. در غیر اینصورت طبق ماده ۱۴ قانون دادرسی کیفری ارتش فیما بین پیونده رسیدگی و اقدامات قانونی معمول خواهد گردید. و آلف ۱۳۵۲

بر طبقه... بقیه از صفحه ۴. کیهان پلیتهای دولت واحد و بخت کامل سازمان‌های توده‌های آنها میباید تحقیق کرد. هرگونه نقایحی در این اتحاد بزبان یکایک ملت هاست. لنین در مقاله "انقلاب سوسیالیستی و حق طغیان در زمین سرنوشت خرد" اصولی را خاطرنشان ساخته که یکی از آنها این است: "ضرورت تابع ساختن این مطالبه یعنی مطالبه حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود. توفان و همچنین کیهان مطالبات اساسی دموکراسی سیاسی به مبارزه انقلابی بلافاصله برای سرنوشت ساختن دولت‌های بیوزوئی و برای تحقیق سوسیالیسم" (جلد ۲۳). لنین در همانجا این آموز: "سوسیالیست‌های ملت مستعمر بویژه باید وحدت کامل و بند و قید و شرط کارگران ملت مستعمر را با کارگران ملت مستعمر، منجمله وحدت سازمانی آنها را پشتیبانی کنند و بموقع عمل در آورند. لنین در "دوستان مردم" می‌گوید: "برای مبارزه بر ضد کینه‌های هیچ وسیله دیگری بنحیضت‌شکر کردن و به‌هم‌پیوستن طبقه مستعمران برای مبارزه با طبقه مستعمران در هر کشور وجود آید امروز جمع کردن چنین تشکیلات ملی کارگری در یک ارتش بین المللی کارگران برای مبارزه بر ضد سرمایه بین المللی موجود نیست" (مختصات فارسی جلد ۲ قسمت ۱ ص ۲۴). (۱۳۳۳) شعبه شمال و بیوزوئیست‌های شوروی سازمان در عراق در امتداد نقایحی را ساخت توسعه داده و حتی مدعی شده است که گفتار سنین محصلین و دانشجویان ایرانی باید نه سازمان‌ها (خلق) یعنی آذربایجانی، فارس، کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و غیره) تقسیم شود. به‌عقیده آنها ایجاد سازمان‌های ملی در میان ایرانیان مقیم کشورهای اروپای غربی، بویژه آلمان غربی، اطریش و فرانسه و بیشتر شهرهای منطقه است. ایجاد چنین سازمان‌های ملی در بین محصلین ایرانی نیز ضروری است.

هرگز که کمترین آشنایی بطرز کارگزاران سوسیالیست و محصلین و دانشجویان ایرانی دارد بزودی در بی‌یابد که این کوشش چیز دیگری جز تلاش در راه تلاش کفر راسیون نیست. روزی نیست هاتاکنون با نواع وسائل برای تخریب کفر راسیون متوسل شده‌اند. از آنجمله مقارن حملات کین توارنه رژیم بر کفر راسیون ایجاد سازمان‌های جهاد خانه‌های بنظر برانگیزه ساختن نیروها است زنده. و اینک از ترواخ دیگری سزید آورده‌اند. مابین داریم که دانشجویان آگاه در افشا این توطئه جدید که بدوش نرد از اجانب سازمان امنیت تقویت خواهد شد خواهند کوشید.

مسلطه ملی در نزد مارکسیست‌ها لنینیست‌های ایران کاملاً روشن است. ماتیلیفات رژیم را که مبنی بر نفی وجود ملت‌ها می‌گردانند در سرزمین ایران است فاش می‌سازیم. ما با هرگونه ستم ملی مبارزه میکنیم. ما خواستار اجرای نام و تمام اصل لنینی حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خویش هستیم. ولی ما این مبارزه و این مطالبه را تا بی‌پیکار دعوی خلق‌های ایران بر علیه استبداد بورژوازی می‌شماریم و معتقدیم که اگر باین پیکار دعوی تقدم داده نشود مبارزه ضد ارتجاعی ضد امپریالیستی به پیروزی نخواهد انجامید و حقوق ملت‌های ایران در تعیین سرنوشت خویش نیز تحقق یابد برخود خواهد بود. ما با تمام قوا در راه حفظ وحدت و یکپارگی سازمان سیاسی طبقه کارگر سوسیالیستی ایران و کیهان سازمان‌های توده‌های سراسری ایران پیکار میکنیم.

از نامه‌های

... فرهاد دانشجویان دانشکده کشاورزی کرج از دست‌خود سوری‌های یکی از مسئولان اناری دانشکده بنام دکتر آقایی که مأمور سازمان امنیت است و میگرفت تمامی مهم‌تر از سرهنگ خدیوی مسئول سازمان امنیت کرج در ارد بلند است شما می‌توانید با افتخار این شخص بدانشجویان یاری رسانید.

بهای هر شماره توفان معادل ۲ ریال. آذربایجان سالانه معادل ۲۰ ریال. فهرست نشریات توفان را از دفتر توفان بخواهید.

عنوان مکاتبات
24030 VILLA D'ADDA/ITALY
X GIOVANNA GRONDA
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
GONTO 17549/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO/ITALY

پسپروز یاد جنگ توده‌های خلق فلسطین

آدم‌های ریزاب را آن‌مک‌ها

سطوری که تیلانظر خوانندگان گرامی میگرداند استخراج از سند ریاست نظیر "پار" داشت های زندان اوین" که از طرف سازمان باجواب رسید و بخشی از آن در ماهنامه "توفان" نیز منتشر گردید. این اسناد گواه تسلیم ناپذیری خلق ماست که فرزند این شایسته اش حتی در زندان آن ها محمد رضا شاه نیز در دفتر میکارا سر بلند نگه داشته اند. لزوم بر سرشور بزرگ انبساط سیاسی.

آشنایی و پیوسته در محیط سیاسی زندان های ایران و بخصوص بخت وجدان در باره ریزاب پیش باید پیش این آن خط مشی سیاسی و ضعف و کج رویی یک گروه و قبیله آن یا گروهی بی دیگر همگی چهره واقعی زندان های امروزی را تشکیل میدهد. تبادل افکار در این محیط بسیار یاد آید است. بخت وجدان آید توفان بطور وسیع چشم مجرور. امام بر این پیش همگی یک موضوع دارند که کاملاً صحیح و مطبوع تفرو کینه نسبت باین دستگاه می باشد. محیط زندان های سیاسی ایران بمعنی واقعی برحق ی

دید و تازه وارد تجزیه و جهت بینی سیاسی می بخشد. من شاهد روزها و شب های هستم که هم زنجیران ما را نهایت سرفرازی و بی وقار کن بدون کوچک ترین لژی راه مرگ را در پیش گرفتند و بعد و بعد های سازمان امنیت نتوانست کوچک ترین خدش های در عقاید آنها وارد آورد. پیام آنها برای ملت ما همانا آدم سواره بر طلیه امیرالیسم و سگ های زنجیر شری بود. از تکیه های سازمان امنیت همه با خبراند. این شکیجه ها از شلاق شروع میشود. بیخوابی بدو ام یکی از بدترین شکنجه ها است. چند شب و چند روز بیخوابی کسین و وسوسا ایستادن انسان را از پای در میآورد. آنقدر شلاق میزنند که تمام بدن انسان باد میکند و توات رفتن بلائی بدین در میان جلوه میکند. اینها راه شهید هاند. اما این راه هم باید بداند که ایمان و اراده باقیق اینهاست. اگر ایمان هدف ما بزرگ را بد کرده باشد پس از دستگیری خود شریا نی یازد. اعتراض نمیکند از شکنجه نترسند از مادر پدر وزن و فرزند میگردد و آن وقت خود را بمراتب نیرومند تر از آن یک ه های شلاق بدست حس میکند.

دو باره یک مقاله

در این اواخر سازمان جنایتکار امنیت به دستگیریهای برده افشایی در استان فارس مبادرت جسته است. از ۲۶ نفری که اسامی آنها در نزد ماست ۱۲ نفر در راج (فارس) و هفت نفر در بندر عباس، و نفر در تهران، و نفر در شیراز، و نفر در لار، و نفر در اهواز دستگیر شده اند. از این عده هفت نفر در اینجور، و نفر در بیلیم، و نفر در آوزگار، و نفر در میندس، و نفر در دیر، و نفر در کارگر، و نفر در بیستون، و نفر در کاشور، و نفر در زن خاندان، و نفر در "انفر خد" مکتور مدرس، و نفر در سیاهن دانش، و نفر در کارمند بهداری، و نفر در کارمند بانک صادرات، و نفر در کارمند شرکت هواپیمائی هستند. بخوسی دیده میشود که دستگیرندگان متعلق به همه قشرهای دموکراتیک خلق ایران اند. ترکیب آنها نشانده عموماً باقیین مبارزه بر ضد رژیم محمد رضا شاه است. ما فریاد اعتراض خود را بر علیه این تسکاری جدید سازمان امنیت بلند میکنیم. دست خفگی کند و سازمان امنیت از گلی فرزند آن ایران کوتاها

بر علیه تفرو کسه اندازان

تفرقه افکنی در میان خلق ها و نیروهای دموکراتیک شیوه دیرینه امپریالیست است. سوسیال امپریالیست های شوروی این شیوه را تکمیل کرده و حتی رنگ پارکیمس در روغن هم بد آن زد هاند. از این جهت تشبیهات نواستعماری سوسیال امپریالیست هبلی شوروی در این مورد بزرگتر گوا می کنند. تر و خطرناک تر از آنست که سایر امپریالیست ها بخت. باوقدم گفته اند: "چو در زمی ناچراغ آید گزیده شود برود کالا".

یکی از راههای تفرقه افکنی سوسیال امپریالیست های شوروی توسل زور وانه باصل بزرگ لنینی "حق ملت ها در تعیین سرنوشت خویش" است. این اصل که بمعنای اعلام آزادی گویه ملت های راجیه، از هم پاشاندن سیستم استعمارتی، و جدت کویه طلیقا و خلق های زخمی کن بر علیه امپریالیسم و ارتجاع آورد و شد و رویت بیوشیال امپریالیست های شوروی بعنوان وسیله ای برای برانگیختن عقاوت های ملی ب منظور تقسیم کشورها و تاجین سلطه استعمار یونی مود استفاده قرار میگردد. نمونه روشن این بهر بر روی شد اراند در پاکستان شرقی بظهور رسید. سوسیال امپریالیست های شوروی که از سیاست خارجی پاکستان در مورد حفظ روابط و دستی باجمه بری بود مای چین تاخست بود. بد جهت ضد دموکراتیک حکومت پاکستان، و فقر و بیوشیال طغیان انگیز موز خلق پاکستان و مسم طلی واکه بخلق بنگال شرقی رو اید آمده میشد بهانه ساخته دولت تجاوز کردند را بد اخله سلحانه در امپریالیست پاکستان برانگیختند و با تجزیه پاکستان دولت دست نشانده بنگال در رانجود آوردند که از امپریالیسم امپریالیسم شوروی و امپریالیسم امریکا و مرکز تحریکی بر ضد جموری بود های چین است. اما نزارهای تون کرملین بازم آسوده نشسته اند و میخواهند بنام "آزادی خلق بلوچ عضو بگری از پاکستان را در محض آزادی جد آسازند.

در مورد ایران نیز همین شیوه را برای تفرقه خلق ها و جریگه از رشد و نیرومندی نهضت ملی و ضد استعماری بکار میبرند تا در موقع مناسب برای تجزیه ایران نیز مورد استفاده قرار گیرد. مستلماً در ایجاد واد اهمیت تشستی که امروز روی های دموکراتیک ضد امپریالیستی ایران را فرار گرفته است روی بیوشیال های شوروی سه مرتبه بزرگی دارند. صرف نظر از خیانت عظیم روی بیوشیال ها که بزرگترین عامل پراکنگی در بیست سال اخیر است سر رشته بسیاری از جریانات انحرفانی رنگارنگ در دست روی بیوشیال های شوروی و ایرانی است. چندی است که شعبه اعمال روی بیوشیال های شوروی - ایرانی در عراق تبلیغ این کوشش مارکسیستی ضد خلقی و نواستعماری میگرداند که چون ایران کشور چند ملی است باید تفکیکات ملی را چه در زمینه حزب طبقه کارگر چه در زمینه سازمان های توب های و چه در زمینه جنبه عمومی دموکراتیک ضد امپریالیستی اساس سازمان های فرار اند. مثلاً بنظر آنها تشکیل اتحادیه کارگران آذربایجانی، اتحادیه کارگران فارس زبان، اتحادیه کارگران بلوچ، اتحادیه کارگران ترکمن، اتحادیه کارگران عرب اتحادیه کارگران کرد وغیره بهترین شکل تشکیلات است.

لازم توضیح است که این یکی از بدترین شکلهای تشستی نیزها تمسک ملی بین کارگران، حفظ عقاید ماندگی های ملی، جلوگیری از ایجاد بدترین رجعت در روی بیوشیال های است، و مسلماً بیود ارتجاع و امپریالیسم است. مارکسیسم - لنینیسم که حق ملت ها را در تعیین سرنوشت خود یکی از مطالبات دموکراتیک اعلام میدارد در همه حال تا کید میکند که نیل بظالبات مذ کوبید و ن سرنوشت روزهای ارتجاعی و قرون وسطائی و بد و استقرار حکومت و ابعاد دموکراتیک امکان پذیر نیست و این امر فقط با اتحاد کامل طبقه کارگر بقید رصقه ۳

طبقه کارگر و رسالت تاریخی او

"آلمانی امروز" مجله سیاسی حزب کارآلمانی مقاله مشروحی تحت عنوان "طبقه کارگر و رسالت تاریخی جهانی او" بقلم رفیق "فوتوچامی" عضو کمیته مرکزی حزب کارآلمانی انتشار داده است که چون همه آن را متأسفانه نمیتوان در توفان آورد اینک بخشی از آن را از نظر خوانندگان گرامی میگردانم.

بخشنامه روزوازی ملی و مالکان بزرگ ارض در قدر تانند. به عقیده روز بیوشیال ها سوسیالیسم ظرفیت آنچنان نیروی سحر آمیزی ندارد که میتواند روزواها و قوید ال ها را نه فقط بقبول رافسوسیالیستی بلکه به رهبری سوسیالیسم را بر راه قانع گرداند (از البته سوسیالیسم ظرفیت یا سوشلیکی که در برابر خلق های دیگر میبندد و یا معاضدت که نسبت بآنها را میدهد. ارد تا "شیر" بر او و آن همه جانانی که آنها میگردد ولی این اعتبار به هیچ وجه نمیتواند جاننشین رهبری مستقیم انقلاب گردند. کسه و طبقه کارگر هر کشور و حزب مارکسیستی - لنینیستی او - است. روز بیوشیال های شوروی این دو مقبول را بعد ایا هم مشتبه میسازند تا سیاست خویش را که مبنی بر خیانت به طلیقا و خلق های مستضعفانه نواستقلال است بر آنها تحمیل کنند. آن ها را با تکیه بر خویش در آورند و برود بهره کشی قرار دهند. به با مالکان و حامین ساختن انقلاب در این کشورها میا - درت میجویند بوقع اجرا بگرداند. همانطور که تجربه کشور ما بخوبی ثابت کرده است کم - رشتی بر لرتاریا از این گونه کشورها نمیتواند دلیل نیل سرگردانی او باشد. زیرا که طبقه کارگر نقش خود را نه مستقیماً بلکه بوسیله حزب خویش ایفا میکند و این حزب میتواند حتی در جاهای طبقه کارگر از حیث تعداد بزرگ و از حیث پرورش سیاسی سازمانی ناقص است تشکیل شود. البته ترکیب طبقاتی پر لرتی و رخصت انقلابی حزب دارای اهمیت بسیار است. ولی همه مطلب در اینجا نیست. لنین میآورد که: "برای موفق بر اینکه حزب واقعا حزب سیاسی کارگری است یا نه، نه فقط باید معین کرد که آیا تریکی آن از کارگران است بلکه باید معین کرد که آن را رهبری میکند و جوهر عطیات و تکیه سیاسی اوکدام است. فقط با روشن ساختن تکیه اخیر میتوان معین کرد که آیا سروکار ما واقعا با حزب سیاسی پرولتاریا است یا نه." (لنین، کلیات، چاپ آلمانی، جلد ۳، صفحه ۲۸۵)

در بسیاری از کشورهای که از سلطه استعماری امپریالیسم رهائی یافته اند خیلی از سوسیالیسم سخن میروند. ولی تئوریهای سوسیالیستی این کشورها از تئوری واقعی

رهبری مبارزه بخاطر ساختمان سوسیالیسم و کنار طبقه کارگر هر کشور است. روز بیوشیال ها در تمام نظریه خویش مبنی بر اینکه گذ از سوسیالیسم بدون رهبری طبقه کارگر و حزب مارکسیستی لنینیستی او تیسر است که سلسله از کشورهای گمشده را شاهد می آورند که از سلسله استعماری امپریالیسم رهائی یافته بگویند از راهی که روز بیوشیال ها "راه رشد غیر سرمایه داری" مینامند. مملکتان روز بیوشیال های خروش جفی شوروی نمیتوانند که سیر در این راه ممکن است با رهبری هر طبقه دموکراتیکی آغاز گردند. با رهبری طبقه کارگر و دهقانان مخرب روزوازی - شهری، و در برخی از کشورها حتی ممکن است نیروی رهبر از نوسنتگران و جنبه افزان انقلابی باشد. آنان مطلقاً اند که سرزدگی حزب مارکسیستی - لنینیستی در مبارزه بخاطر سوسیالیسم و بنابه قانون عام مربوط است به رشد جامعه پیشرو بطور کلی و رشد هر کشور خاص. بعقیده آنان در یک سلسله از کشورها که قاف احزاب مارکسیستی اند این نقش پیش آهنگ ممکن است بوسیله اتحاد بهای طبقه پرولتاریا - سگد تگاهها و ویاختی بوسیله سایر احزاب و یا سازمانهای دموکراتیک ایفا گردد.

از آنجا که روز بیوشیال های خروش جفی میدانند که این بزهان به هیچ وجه قانع کننده نیست و از عمل نا امید نشده است میکنند. ملاحظه دیگری نیز میآورند: آنها اظهار میآورند که در جاهای که کم شدی پرولتاریا با امکان ایفا نقش سرکرده در نهضت انقلابی تمهید این نقش پیش آهنگ ممکن است بنحوی از آنها بوسیله پرولتاریا ظرفیت کشورهای سوسیالیستی ایفا شود.

ولی کشورهای سوسیالیستی چگونه نقش سرکردگی پرولتاریا را در کشورهای کم رشد ایفا میکنند و چگونه آنها را بسوی سوسیالیسم میکشاند؟ همه بخوبی میدانیم که برای این کار راه دیگری جز راهی که بر پایه عامل داخلی ساخته میشود موجود نیست و در این کشورها طبقات گوناگون استمارکسیزو

پیروز باد جنگ عادلانه خلق لائوس و کامبوج